

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ترجمه از زبان فرانسوی و تبصره از: هیوادوال کابلی

۶ جولای ۲۰۱۰

«شش نابینا و فیل» (یک حکایت صوفیانه)

در گذشته ها شهری وجود داشت که همه باشندگان آن نابینا بودند. روزی یک شهزاده از سرزمین دیگری که از آن دیار عبور می کرد ، خواست با خدم و حشم خود در پای برج و باروی آن شهر اُطراق کند. باشندگان شهر به زودی از حیوان عجیبی که شهزاده بر آن سوار می شد ، آگاهی یافتند. آن حیوان فیل بود و آنها هیچ تصویری از فیل نداشتند. شهریان فیصله بر آن داشتند تا شش تن از جمع خود را بفرستند تا فیل را لمس نمایند و بتوانند بعداً با برداشت حسی خود ، آن حیوان را به دیگر باشندگان شهر توضیح نمایند. آن شش نابینا در بازگشت از طرف شهریان ، که بیصبرانه می خواستند بفهمند فیل چگونه حیوانی است ، با گرمی استقبال شدند. نابینای اولی گفت: « خوب! فیل به یک پکه بزرگ و درشت می ماند.» او گوش های فیل را لمس نموده بود. نابینای دومی اعتراض کرده گفت: « به هیچ وجه چنین نیست! فیل به یک جفت استخوان های دراز شباهت دارد.» وی دو عاج فیل را لمس نموده بود. نابینای سوم بر آشفت و گفت: « کاملاً نادرست! فیل به یک ریسمان ضخیم شباهت می رساند.» این یکی خرطوم فیل را لمس نموده بود. نابینای چهارم گفت: « شما هر چیزی که دل تان خواست می گوئید. فیل به سان تنه یک درخت قوی و محکم است.» او پایهای فیل را لمس نموده بود. نابینای پنجم فریاد برآورد: « من نمی دانم شما از چه حرف می زنید. فیل به دیواری می ماند که نفس می کشد.» او بر پهلو فیل دست گذاشته بود. نابینای ششم پر خاش کنان گفت: « این کاملاً دروغ است. فیل را می توان به یک رشمه طویل تشبیه نمود.» او دم فیل را لمس نموده بود.

آن شش نابینا به جنگ و دعوا آغاز نمودند و هیچیک حاضر نمی شد تا به تشریحات پنج دیگر گوش فرادهد. صبر و حوصله باشندگان شهر سررفت و نمی دانستند که کی حق به جانب است. شهزاده که آن شور ماشور باعث

مزاحمتش شده بود ، به شهر آمد تا ببیند چه می گذرد. مردی موسیقی پیش آمده گفت: «والاحضرتا! ما این مردها را فرستادیم تا با فیل آشنا شوند. حال هرکدام چیز دیگری به ما حکایت می کند. ما هیچ نمی دانیم چگونه فکر کنیم.» شهزاده به تشریحات هر شش نفر راجع به فیل گوش داد و بعد از اندک سکوت اعلام داشت:

«هرکدام از این شش مرد درست و به جا می گویند مگر هر یک فقط یک قسمتی از حیوان را لمس نموده اند و فقط بخشی از حقیقت را آگاه هستند. تا وقتی که به این عقیده باشند که شخصاً حق به جانب اند ، هیچوقت به حقیقت درک دست نخواهند یافت. آیا الوان مختلف کلایوسکوپ (استوانه ای که شیشه های کوچک در داخل آن تصویری جامع و کلی به معرض دید ببیننده قرار می دهند - مترجم) بهم نمی آموزند تا تصویر واحد و پرکیف به وجود آورند؟» آنگاه شهزاده فیل را تشریح نمود که با هر شش توضیحی که آن شش نابینا عرضه نموده بودند. وفق داشت ؛ و باشندگان شهر سرانجام دانستند که فیل چگونه حیوانی است.

L'Alphabet de la Sagesse

K comme Kaléidoscope : *Les Six Aveugles et l'Eléphant*, d'après un comte soufi (pp. 73-76)

ISBN : 2 226 10128 4

تبصره:

مبهرن است که شاهان و شهزادگان قصص ، مشخصه ادبیات همان دوره ها بوده اند و ذکر آنها مبین کدام تمایل فکری یا توجهی بوده نمی تواند. ولی تا جائیکه به برداشت از افسانه بالا مربوط می شود ، می توان آنرا در متن شرایط مختلف ، در زمانه های مختلف و اجتماعات مختلف ، انطباق داد. از آنجمله است متن سیاسی - اجتماعی کشور خودما.

گروهها و دسته بندی های متعدد سیاسی ، ملی - دموکراتیک و چپ (بقایای باند «خلق» - پرچم و افراد و حلقات چپ نمای انقیدطلب منظور نیست) برواقعیت اشغال نظامی کشور ، سلب حاکمیت ملی مردم ما توسط اشغالگران ، اهداف واقعی شوم و استعماری امریکا و متحدان آن و به خصوص دوامدار شدن و عمیق شدن حضور فاشیستی قوای بیگانه در افغانستان ، کاملاً مشعراند ولی هرکدام ، آن واقعیت های تلخ را از مجرای سیاسی - تشکیلاتی خود منعکس می سازند. سایت های انترنیتی ، اکثراً با موضعگیری نیمه آشکارو یا تلویحی در برابر سؤال اشغال کشور ، نمونه گویای آن اند.

ولی با تأکید بر این نکته که به استعاره گرفتن یک حکایت آموزنده به هیچ وجه معنی توهین به شخصیت ها و گروه بندی های سیاسی کشور را ندارد ، می توان حیطه آنرا به تمامی افراد و حلقات ملی و وطنپرست کشور توسعه داد زیرا در این مورد ، منظور از «نابینائی» ، پراگندگی است نه عیب جسمی.

برای لحظه ای هم اگر شده ، در ذهن خود مجسم سازیم که همه مساعی و عرق فشانی ها و صرف وقت که به صورت منفرد به وسیله افراد و یا گروههای ملی - دموکراتیک و انقلابی برای افشای تجاوز نظامی برکشور و قتل و غارت توسط نیروهای بیگانه زیر پوشش های فریبنده «آزادی» ، «دموکراسی» ، «بازسازی» ، «حقوق بشر» و

امثالهم صورت می گیرد ، نقطه مشترک یافته و در برابر دشمن مشترک و دفاع از آرمان مشترک که همانا آزادی کشور و دوباره به دست آوردن حاکمیت ملی مردم است ، با اغماض تفاوت های قابل اغماض ، برای مبارز ساختن بعد مشترک به هم بیوندند ، چه تاثیر بزرگی و چه هیبتی ایجاد خواهد کرد و چه نتیجه و دستاورد بی نظیری به بار خواهد آورد.

شخصیت ها و گروه های سیاسی ، افراد و حلقات ملی و وطنپرست با یقین کامل قادرند تا اینچنین یک رؤیای شریفانه و انتظار به حق توده ها را که تصویر کامل از «فیل» (مجموع دم و دستگاه استعمار و اداره مستعمراتی دست نشاندۀ آن همراه با طرح ها و پروژه های درازمدت استعماری) ندارند ، واقعیت بخشیده و درشرایطی که دژ استعمار از اساس درزیرداشته و نقاب ها پیهم پائین می افتند (تا آنجائیکه اهداف اصلی بهره جویانه و یغماگرانه استعمار از زبان رؤسای جمهور ، صدراعظمان و وزرای ممالک متجاوز در افغانستان اعتراف می شود) ، رسالت تاریخی خود را تشخیص نمایند. سرنوشت کشور را صرفاً در آئینه های کوچک و مطابق سلیقه خود دیدن و آنرا به شکل جمعی به عنوان یک تصویر کامل و گویا جهت توسل به راه حل ملی ، به معرض دید مردم نگذاشتن ، جفای بزرگی در حق هموطنان مظلوم و حرمان کشیده ماست که به هیچوجه توجیه آن ممکن نخواهد بود.

با آرزوی همسوئی و هموائی عناصر ضد اشغال و ضد استعمار در افغانستان!